

قربانی و تقرب: بازخوانی عید قربان در افق نظری وحدت امت اسلامی!

مقدمه

مناسک اسلامی، برخلاف تصور رایج، صرفاً رفتارهای آیینی با کارکردهای فردی یا اجتماعی نیستند، بلکه حامل افق‌های معرفتی و فلسفی عمیقی‌اند که اگر در بستر مناسب بازخوانی شوند، ظرفیت‌های تمدنی، گفت‌وگویی و حتی انسان‌شناسانه درون خود دارند. یکی از این مناسک که در بطن خود مفهومی رادیکال از "عبودیت"، "انقطاع"، و "تقرب" را حمل می‌کند، قربانی است. عید قربان، در این معنا، نه یک آیین صرف، بلکه یک رویداد فلسفی-عرفانی است که بازخوانی آن، کلید فهم نسبت انسان با امر متعالی، و نیز نسبت امت با مفهوم "وحدت در کثرت" خواهد بود.

۱. قربانی؛ از مناسک تا تجربه‌ی وجودی

خاستگاه عید قربان در قرآن، بر محور قصه‌ی نمادین و پرپیچ‌وخم از خلیل‌الله است؛ هنگامی که ابراهیم پیروزمند از بحران‌های معرفتی و اخلاقی، اکنون در مقام عبودیتی تمام‌عیار، مأمور می‌شود که عزیزترین سرمایه خود را به مسلخ رضای الهی ببرد. اما واقعیت این است که در این داستان، آنچه قربانی می‌شود نه فرزند، بلکه "تعلق" است؛ و آنچه باقی می‌ماند، انسانی است رها از هر بند، جز بندگی. مفهومی که به شکل عمیق‌تری در آیه ۳۹ سوره ابراهیم به چشم می‌خورد:

«الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسماعیل وإسحاق إن ربی لسمیع الدعاء»

این آیه نه فقط ستایش نعمت فرزند در پیری است، بلکه اذعانی است به تحقق وعده الهی، و تجلی رابطه‌ی دوسویه میان دعا و اجابت، عبودیت و عنایت.

قربانی در این افق، حرکتی است از ملک به ملکوت، و از تعلق به تقرب. تقریبی که در عین فردیت، واجد بار جمعی است، زیرا در آن، کنش عبادی به تجربه‌ی عرفانی تبدیل می‌شود که همواره ظرفیت بازتولید معانی نو در بسترهای جمعی و تاریخی دارد.

۲. عید قربان و امکان نظری وحدت در امت اسلامی

سؤال مهم آن است که چگونه می‌توان از عید قربان، به‌مثابه یک آیین عبادی، چارچوبی برای تحلیل نظری مفهوم وحدت در امت اسلامی استخراج کرد؟

پاسخ در نسبت عبودیت و جمع نهفته است. عبودیت، همان‌گونه که در تجربه ابراهیم و اسماعیل تجلی یافته، حرکتی است که انسان را از ذره‌گرایی و خودمحوری نجات می‌دهد. در مقام امت، چنین عبودیتی باید به اشتراک در سلوک عبادی و اشتراک در معنا منجر شود؛ یعنی ما فراتر از اشتراک در مناسک (مانند حج یا قربانی)، نیازمند اشتراک در معنای این مناسک هستیم.

در نگاه وحدت‌گرایانه، مهم‌ترین مانع، قرائت‌های متصلب و انحصارطلب از دین است که در آن، هر گروه مذهبی خود را تنها وارث مشروع معنا می‌داند. اما بازخوانی "قربانی"، ما را به این پرسش رادیکال می‌رساند که آیا ما آماده‌ایم که "تعلق به هویت مذهبی" را هم قربانی کنیم، اگر این هویت مانعی برای تقرب جمعی به حق شود؟

در واقع، وحدت در جهان اسلام، زمانی تحقق‌پذیر است که "قربانی" نه فقط در سطح گوسفند و مناسک باقی بماند، بلکه شامل ذبح نمادین غرور مذهبی، تعصب‌های تاریخی و حاکمیت روایت‌های انحصاری نیز گردد.

۳. تقرب به حق، تقرب به خلق

یکی از مفاهیم کلیدی در فقه مقاصدی و فلسفه اخلاق اسلامی، «تقرب» است. تقرب به حق، اگر به‌درستی فهم شود، لاجرم به تقرب به خلق نیز خواهد انجامید. به تعبیر عرفانی، کسی که به سوی خدا می‌رود، از جمع نمی‌گریزد، بلکه در دل جمع، به وجه الهی آنان نزدیک می‌شود. این دقیقاً همان افقی است که سنت‌های اهل سنت و تشیع، در منابع معرفتی خود به‌صورت موازی بیان کرده‌اند، اما کمتر در عرصه اجتماعی و سیاسی محقق شده‌اند.

عید قربان می‌تواند لحظه‌ای نمادین برای بازیابی این نسبت میان عبودیت و اخوت باشد. این اخوت، نه یک پروژه سیاسی است، بلکه یک تجربه معنوی مشترک است که اگر بازسازی شود، ظرفیت آن را دارد که مفهوم "امت" را از چنبره قوم‌گرایی‌ها، منازعات هویتی و رقابت‌های طایفه‌ای برهانند.

نتیجه‌گیری: بازاندیشی در مناسک برای بازسازی امت

عید قربان، با همه وجوه آیینی‌اش، پتانسیلی عظیم برای بازاندیشی در نسبت ما با خدا، با خود، و با دیگری دارد. این روز، اگر در افقی تحلیلی دیده شود، حامل سه پیام بنیادین است:

عبودیت، مستلزم انقطاع از هر گونه تعلق غیرالهی است.

قربانی واقعی، از مناسک عبادی به مناسک وجودی و اخلاقی گذر می‌کند.

وحدت امت، نتیجه اشتراک در معناست، نه صرفاً اشتراک در ظاهر مناسک.

بدین‌سان، عید قربان تنها زمانی به «عید امت» تبدیل خواهد شد که ما در ساحت معنا، به سوی یکدیگر نیز تقرب بجویم، چنان‌که همگی به سوی او در حرکتیم.